

تور کتاب‌خوانی برای صیادان خلیج فارس

گفت‌وگو با عبدالحکیم بهار مؤسس کتابخانه بهار روستای رمین

ساختمان کتابخانه پرآوازه روستای رمین، اکنون فقط شامل یک کانکس چهل - پنجاه متر مربعی زردرنگ است که به گفته آقای بهار، مؤسس کتابخانه، حدود ۶۰۰۰ جلد کتاب و بیش از ۶۰۰ عضو کتاب‌خوان دارد که هر روز ۶۰ تا ۷۰ نفر از آن‌ها کتاب امانت می‌گیرند. هسته اولیه این کتابخانه با کتاب‌های شخصی آقای بهار - شاعر و نویسنده چاپهاری - گذاشته شد. او یک بار تصمیم گرفته بود چهارصد عنوان از کتاب‌هایش را به بچه‌های علاقه‌مند اهدا کند. اما بعد اندیشیده بود که اگر کتابی در کتابخانه باشد صدها نفر بخت خواندنش را به دست می‌آورند ولی کتاب‌های اهدایی به افراد حداکثر توسط چند نفر خوانده می‌شوند. بنابراین مصمم شد در آن محیط بی‌کتاب، کتاب‌هایش را که - به تعبیر خودش - چون آب خنکی بود که تشنه‌ای دیده باشد به کتابخانه‌ای بسپارد. بچه‌های روستا تشنه خواندن کتاب بودند. آقای بهار بخشی از خانه‌اش را به کتابخانه اختصاص داد و بچه‌ها در عرض دو ماه همه آن ۴۰۰ جلد کتاب را به امانت گرفته و خواندند. اکنون نه تنها کودکان رمین، که کودکان روستاهای اطراف و روستای ۲۰ هزار نفری کُلم هم برای خواندن کتاب به آنجا می‌آیند و بهار در این اندیشه است که در زمین هزار متر مربعی که دهیاری روستا برای کتابخانه اختصاص داده است، ساختمانی برای کتابخانه بسازد. در اردیبهشت‌ماه ۹۷، عبدالحکیم بهار به اتفاق ۲۰ روستای دیگر دوستدار کتاب، میهمان نمایشگاه کتاب تهران بود. او در این گفت‌وگوی کوتاه با ما درباره کتابخانه و حال و هوای آن صحبت کرد. وی عادت دارد از خودش به صورت سوم شخص مفرد سخن بگوید و هیچ‌گاه «من» نمی‌گوید. این گفت‌وگو را بخوانید.



بچه‌ها به خواندن علاقه داشتند. عبدالحکیم بهار ابتدا تصمیم داشت این کتاب‌ها را به بچه‌های علاقه‌مند اهدا کند. اما بعد به این نتیجه رسید که بخشی از خانه‌اش را به کتابخانه اختصاص دهد. ما اگر کتابی را از کتابخانه به صورت امانت در اختیار بچه‌ها قرار دهیم و بگذاریم کتاب گردش داشته باشد، افراد بیشتری از آن استفاده می‌کنند؛ اما اگر کتاب را به بچه‌ها ببخشیم، ممکن است این کتاب را فقط خودش یا یکی دو نفر دیگر بخوانند و زنجیره‌ای شکل نگیرد یا خیلی زود زنجیره خواندن آن کتاب قطع شود. اگر این روحیه را به بچه‌ها هم منتقل کنیم، کار بسیار بزرگی انجام داده‌ایم. آن وقت این بچه در مقابل کتاب مسئولیت‌پذیر می‌شود و در حفظ و نگهداری کتاب می‌کوشد. در این رفتارها، البته گاهی ارتباط‌های ویژه‌ای بین کتاب و خواننده آن شکل می‌گیرد. ما دیده‌ایم برخی از بچه‌ها، گاه به یک کتاب چنان دلبسته می‌شوند که چند بار آن کتاب را امانت می‌برند. وقتی متوجه این دلبستگی خاص می‌شویم، در

کتابخانه بهار روستای رمین کی، کجا و چطور به دنیا آمد و حالا، حال کتابخانه کوچک شما چطور است؟ سال ۱۳۸۴ کتابخانه رمین با ۴۰۰ جلد کتاب کودک و نوجوان در بخشی از منزل شخصی عبدالحکیم بهار متولد شد و از همان ابتدا مورد اقبال کودکان و نوجوانان محل قرار گرفت. این کتابخانه سال‌ها در همان خانه بود و امروز از آنجا به یک کانکس ۵۰ متری نقل مکان کرده است. در حال حاضر بیش از ۶۰۰۰ جلد کتاب در آن وجود دارد که ۴۰۰ تا ۵۰۰ جلد آن از سوی وزارت ارشاد به کتابخانه اهدا شده و بقیه کتاب‌ها با مشارکت مردمی و توسط خود بچه‌ها، برای کتابخانه تهیه شده است.

آیا کتاب‌خوان‌های کوچک شما، امروز با روزهایی که کتابخانه نداشتند، فرقی کرده‌اند؟

بله. پیش‌ترها که کتابخانه نبود، بچه‌ها کتاب غیردرسی نمی‌خواندند. معلم‌ها می‌گفتند بچه‌ها وقت برای خواندن کتاب غیردرسی ندارند. ولی در واقع کتاب در دسترس نبود و گرنه



↑ حضور بچه‌های روستای رمین در سی‌ویکمین نمایشگاه کتاب تهران، در روزهای پایانی نمایشگاه، فرصتی فراهم شد تا نخستین مجمع عمومی «شبهه روستاهای دوستدار کتاب» با حضور نمایندگان ۴۰ روستای برتر جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب شکل بگیرد. عبدالحکیم بهار در این نشست به‌عنوان یکی از اعضای اصلی هیئت مدیره انتخاب شد.



↑ ساختمان کتابخانه بهار در روستای رمین. روستای ساحلی رمین، در ۸ کیلومتری شرق چابهار قرار دارد و جمعیتی ۸۰ هزار نفری را در خود جای داده است. این روستا، به دلیل طرح‌ها و فعالیت‌های کتابخوانی در «جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب» طی دو سال ۹۳ و ۹۴، روستای برگزیده معرفی شد.

دارد و این آشنایی اقبال بزرگی برای بچه‌های رمین رقم زده است. بچه‌های عضو کتابخانه، در طول سال، پنج - شش نویسنده و شاعر را - که برای آن‌ها کار می‌کنند - از نزدیک می‌بینند یا نامه‌های آن‌ها را می‌خوانند. این ارتباطها برای بچه‌ها جذاب است و موجب می‌شود احساس بزرگی کنند. برای آن‌ها آشنایی با نویسنده‌ای - که نامش را در کتاب‌های درسی یا کتاب‌های شعر و قصه خوانده‌اند - مهم است. متقابلاً حس می‌کنند درس، تحصیل و کتاب خواندن آن‌ها برای نویسندگان و شاعران هم مهم است. رابطه بچه‌ها با کتاب‌ها و نویسندگان و شاعران سبب شده تا حد زیادی افت تحصیلی آن‌ها کاهش یابد. خوشحالیم که امروز بچه‌های رمین جمع زیادی از نویسندگان کودک و نوجوان را می‌شناسند و برخی هم با آن‌ها دوست هستند.

◀ شما امسال به‌عنوان نماینده سیستان و بلوچستان، میهمان سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بودید، در نمایشگاه چه برنامه‌هایی داشتید؟

بخشی از دستاوردهای فرهنگی و کتابخانه‌ای بچه‌های رمین و شیوه‌های ابتکاری کتابخوانی آن‌ها، در سی‌ویکمین نمایشگاه کتاب به نمایش گذاشته شد که مورد توجه و استقبال بازدیدکننده‌ها قرار گرفت. کاش فرصت بیشتر و مکان مناسب‌تری در اختیار روستاها و عشایر دوستدار کتاب در نمایشگاه قرار داده می‌شد تا آن‌ها توانمندی‌های روستایشان را بهتر از این نشان دهند. انصافاً باید بپذیریم که بچه‌های روستاها در کتاب‌دوستی و کتابخوانی خیلی پیشگام هستند. برخی از روستاها برنامه‌های بسیار موفقی در ترویج کتاب دارند و اگر به آن‌ها میدان داده شود و از برنامه‌های آن‌ها الگو گرفته شود، چه بسا یک انقلاب فرهنگی در حوزه کتابخوانی در روستاها رخ بدهد.

صورت امکان سعی می‌کنیم کتاب را به او هدیه بدهیم و کتاب جایگزینی برای کتابخانه تهیه کنیم.

◀ برای ورود به کتابخانه رمین و امانت گرفتن کتاب چه باید کرد؟

خیلی ساده است. فقط حضور در محل کتابخانه و نوشتن نام در لیست اعضا کفایت می‌کند. آن وقت عضو جدید کتابخانه می‌تواند، کتاب‌های دلخواهش را امانت بگیرد و مطالعه کند.

◀ نوشته بودند عبدالحکیم بهار شاعر و صیاد چابهار، به جای صید ماهی به صید کتاب خوان مشغول است! کار شکار کتاب خوان به کجا رسیده؟

طرح سید سیار کتابخوانی در بین ماهی‌گیران، این روزها خیلی برجسته دیده می‌شود. امروزه اکثر صیادان ماهی، در کنار صید، دغدغه کتاب و کتابخوانی نیز دارند. این راز را سال‌ها پیش عبدالحکیم بهار - به‌ورز بهداشتی روستای رمین - که قبلاً ماهی‌گیر بود، کشف کرد. او می‌دانست صیادان در دل دریا وقت اضافی زیاد دارند و این اوقات بهترین فرصت برای خواندن کتاب است. اکنون صد سبد سیار کتاب، به‌صورت چرخشی بین صد لنج و قایق می‌چرخد و مورد استفاده قرار می‌گیرد. این صیدهایی که می‌گویند، همانانی‌اند که خود به شکار ماهیان مشغول‌اند و عبدالحکیم بهار آن‌ها را به تور کتاب انداخته است.

◀ ظاهراً تا به امروز، شخصیت‌های سرشناس زیادی به دیدن کتابخانه کوچک شما آمده‌اند. کدام یک از این دیدارها، حس کتابخوانی بچه‌ها را بیشتر تحریک کرده است؟

عبدالحکیم بهار چون خودش برای بچه‌ها می‌نویسد، با جمعی از شاعران و نویسندگان این حوزه آشنایی نزدیک